

طرح حمایت از کارگران زندانی، یک تجربه شخصی

فواد شمس

9 خرداد 1386

وبلاگ روزمرگیهای شهری

[/http://rozmaregi.blogfa.com](http://rozmaregi.blogfa.com)

از ابتدای این هفته دانشجویان علامه نیز **در حمایت از کارگران زندانی طرح حمایتی** را با قرار دادن میز، بروشور های طرح و صندوق کمک مالی در دانشگاه علوم اجتماعی و ارتباطات شروع کردند. در ادامه در دانشکده حقوق و علوم سیاسی نیز طرح را شروع کردند. که به گفته بچه ها از همان روز اول مورد استقبال شدید دانشجویان قرار گرفته است.

روز چهارشنبه من بعد از ماه ها بار دیگر به دانشگاه علامه رفتم. صبح این روز به دانشکده حقوق و علوم سیاسی علامه رفتم که در آن جا نیز طرح را آغاز کنیم. با وجود فضای سنگین و امنیتی دانشکده که ناشی از برخورد های اخیر حراست با فعالان دانشجویی در علامه بود و هم چنین حضور پررنگ حراست دانشگاه که با دیدن ما دوباره به جنب و جوش افتاده بودند با ابتکار بچه ها به جای قرار دادن میز که امکان برخورد را برای حراست راحت تر می کرد تصمیم گرفتیم دست به دست بروشور ها را پخش کنیم و کمک مالی را هم دستی جمع کنیم. در همان دقایق ابتدایی بروشور ها به تعداد زیادی در میان دانشجویان پخش شد و کمک مالی قابل قبولی جمع شد. و در پایان روز هم گویا بروشور ها تمام شده است و باید برای دانشکده حقوق دوباره بروشور ببریم. بعد از هماهنگی های لازم با بچه های این دانشکده به طرف دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات رفتم.

آن جا از ابتدای هفته بچه ها میز گذاشته بودند. امروز هم میز را قرار دادیم. حراست دانشکده چند بار از جلوی میز رد شد و نگاهی خشم ناک به بروشور ها و اعلامیه های بزرگی که بر روی آن هدف طرح که کمک مالی به ۳ تن از کارگران زندانی (محمود صالحی، شیث امانی و صدیق کریمی) نوشته شده بود و هم چنین اعلامیه بزرگ دیگری که روی آن عبارت (گام عملی جنبش دانشجویی برای حمایت از جنبش کارگری) نوشته شده بود، می انداختند.

اما می توانم به جرات بگویم به خاطر حضور زیاد بچه ها در اطراف صندوق در کل ساعاتی که صندوق را در حیاط گذاشته بودیم و هراس حراست از مقاومت دانشجویان هیچ برخورد خاصی از طرف حراست صورت نگرفت. نکات جالب این چند ساعت حضور من در پای صندوق زیاد بود که به اختصار برخی از آن ها را شرح می دهم:

۱- استقبال دانشجویان ورودی جدید واقعا برای شخص من که به خاطر دوری از فضای دانشکده برخوردی با آن ها نداشتم، بسیار جالب بود. بسیاری از آن ها بعد از این که کمک مالی را به صندوق می انداختند و به بروشور ها نگاه می کردند، با کنجکاوی در مورد خواست کارگران و دلیل بازداشت شان و بکلیت جنبش طبقه کارگر و دلایل لزوم پیوند حرکت های دانشجویی با جنبش کارگری می پرسیدند که من در حد توانم برای شان توضیح می دادم حتی برخی منابع بیشتری برای مطالعه می خواستند که در حد توانم به آن ها معرفی کردم. این امر من را بسیار خوشحال کرد. **جای پای مان همچنان در علامه محکم است.**

۲- دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات علامه را می توان کردستان دانشگاه علامه نامید! دانشجویان کرد در آن جا بسیار هستند. خیلی ها از این که از کارگران زندانی در کردستان حمایت می شود استقبال کردند. اما در کنار آن در گپ هایی که می زدیم هر دو طرف به این توافق می رسیدیم که منافع کل انسان ها و خصوصا طبقه کارگر را باید ورای ملیت و قومیت و محل تولد و زندگی در نظر گرفت و باید یک همبستگی جهانی حول خواست های کارگران و کل انسان ها آزادی خواه به وجود بیاوریم.

۳- بچه های فعال حقوق زنان نیز در یاری رسانی به ما در علامه بسیار کمک کردند در صحبت هایی هم که داشتیم پیشنهاد می دادند که این همبستگی را بین جنبش زنان و کارگری نیز به وجود بیاوریم.

۴- برخی از دوستان عزیزی که همچنان دل در گروی شیوخ و سرداران تازه شهر دار شده اصلاح طلب دارند با لحنی به ظاهر دلسوزانه در حالی که با روزنامه ی "هم میهن" خود را باد می زدند. ما از این کار های (حسن! خطرناکه حسن!) برحذر می داشتند و تنها راه را شرکت در انتخابات می دانستند. دوستان احتمالا هر جا صندوق می بینند یاد رای دادن می افتند چون تنها کارکرد دانشجویان را ماشین رای دادن می دانند. اما نکته جالب برای من تفاوت برخورد این دوستان با برخورد همپالکی هایشان در دانشگاه شریف بود. این امر نشان می دهد که لااقل در علامه بسیار ضعیف هستند.

۴- اما اتفاق جالب امروز این بود که **مهندس موسوی خونینی** ها نماینده سابق مجلس و دبیر کل ادوار تحکیم وحدت که در سال گذشته چند ماهی هم خود در زندان به سر می برد. برای یک کار تحقیقاتی به دانشکده ما آمد و در همان ابتدا با دیدن میز ما بروشور ها و تبلیغات های ما با حالت حیرت زده از ما سوال کرد که آیا نهاد های حراست و امنیتی با شما برخورد نکردند و برای تان مشکل به وجود نیاوردند؟ من هم توضیح دادم که در دانشگاه های دیگر این کار را کرده اند اما خوش بختانه در علامه به خاطر حضور پررنگ بچه ها تاکنون نتوانستند این کار را بکنند در ضمن به ایشان تاکید کردم که همبستگی با جنبش کارگری به ما این قدرت را می دهد که در مقابل زورمداران محکم ایستادگی کنیم. ایشان که چندان از فضای دانشگاه های خصوصا اتفاقات اخیر دانشگاه علامه اطلاعی نداشتند در این زمینه ها سوال کردند و من هم توضیحاتی دادم. در ضمن گلایه هایی نسبت به کم لطفی دوستان ادوار نیوز در قبال اطلاع رسانی اخبار فعالیت های دانشجویان مستقل را مطرح کردم که ایشان انتقاد را پذیرفتند قول رفع آن را دادند. در انتها ضمن استقبال از طرح ما کمک مالی خود را به صندوق انداختند و با دقت شروع به مطالعه بروشور ها کردند.

در کل برای من به شخصه که مدتی بود از فضای دانشکده سابقم دور بودم امروز روز جالبی بود چون به من واقعا ثابت شد که علامه همچنان زنده است و این زندگی و پویندگی اش را با **پرداختن گام های عملی در دفاع از جنبش پیشروی طبقه کارگر** نشان می دهد.